

تلفیق شعر و موسیقی

۲۰

از دکتر مهدی فروغ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اینک که مخارج حروف معلوم شد بایک ملاحظهٔ اجمالی متوجه می-
شویم که باوجود دانستن محل تلفظ حروف نحوهٔ ادای آنها بر ما نامعلوم
مانده است .

تعبیراتی چون : حلقی، لهوی، شجری، زلفی، لثوی، نطعی، اسلی،
و شفوی همه برای تعیین محل تلفظ حروف است ولی ما هنوز تفاوت بین
نحوهٔ تلفظ «ب» و «م» را با اینکه هر دو از حروف شفوی است نمیدانیم .
اینک با استفاده از مطالعاتی که علمای علم اصوات (Phonétiques)
در کشورهای مغرب دربارهٔ این موضوع کرده اند حروف الفبای فارسی را

به‌شش دسته تقسیم میکنیم و هر دسته را بنام مخصوصی مینامیم که از بقیه مشخص باشد .

دسته اول حرفائست که در نتیجه مسدود شدن جریان هوا در دهان حاصل میشود باین ترتیب که هوا از داخل ریه میگذرد و از پرده‌های صوتی عبور میکند و وارد دهان میشود . اگر در اینموقع که هوا میخواهد از دهان خارج شود لبها را محکم ببندیم و مانع خارج شدن آن شویم مقداری هوا در داخل دهان حبس میشود . حال اگر لبها را بگشاییم مقدار هوایی که در دهان حبس شده است بشدت خارج میشود ضمن خروج این هوا از لای دولب حرف «ب» و «پ» شنیده میشود . اگر این مانع با بانگ زبان و لثه دندانهای ثنایای فوقانی ایجاد شود حرف «د» یا «ت» حاصل میشود همچنین از التصاق بیخ زبان با قسمت نرم سقف دهان دو حرف «ك» و «گ» و با مسدود شدن جریان هوا در حلق همزه بوجود میآید .

پس این حروف را که در نتیجه حبس شدن هوا در دهان و خروج آن پس از مرتفع شدن مانع ایجاد میشود (چون تعبیر بهتری بندهن نرسید) حرفهای انفجاری نامیدیم زیرا هوا با مختصر شدتی از دهان خارج میشود و آن حرف را بوجود می آورد . بنابراین در ادای حرفهای انفجاری سه عمل رخ میدهد ۱ - ایجاد مانع ۲ - رفع شدن مانع ۳ - جریان هوا

حال اگر از التصاق تیغه زبان با لثه دندانهای بالا این مانع ایجاد شود ولی بر طرف شدن آن با نرمی و ملایمت صورت گیرد دو حرف «چ» و «ج» بوجود می آید . بنابراین آنها را الحرفهای «مالشی» مینامیم زیرا بر طرف شدن مانع با مالشی توأم است .

باید دانست که ضمن صحبت کردن هوا از دهان و از بینی هر دو خارج میشود .

حال اگر راه خروج هوا را از دهان با بستن لبها بکلی مسدود کنیم و صدرا از بینی خارج کنیم حرف «م» و اگر بازبان و ریشه دندانهای بالا مسدود کنیم حرف «ن» ایجاد میشود . چون در تلفظ این دو حرف تمام هوا تمام هوا از بینی خارج میشود این دو حرف را حرفهای غنه‌ای مینامیم .

اگر قسمت جلو زبان با ریشه دندانهای بالا جریان هوا را سد کند ولی هوا از دو طرف زبان خارج شود حرف «ل» درست میشود و آنرا جناحی نامیدیم .

هرگاه نك زبان را به ریشه دندانهای ثنایای فك بالا نزدیک کنیم و زبان ضربه‌های منظم و متوالی به سقف دهان وارد آورد و هوا از لای زبان و سقف خارج شود حرف «ر» ایجاد میشود . این حرف را ضربه‌ای مینامیم . هرگاه مانعی که در جلو جریان هوا ایجاد میشود زیاد محکم نباشد و هوا بتواند با فشار از لای آن عبور کند حرفهایی مثل «ف» ، «و» ، «ز» ، «س» ، «ش» ، «ژ» ، «خ» ، «غ» بوجود می‌آید. این حرفها را حروف فشاری مینامیم .

اکنون برای اینکه آنچه بیان کردیم کاملا معلوم شود آنرا در جدولی نشان میدهیم : کلمات بالا مخرج حرف و کلمات ستون دست راست نحوه ادای آنرا معلوم میکند .

حلق	سقف دهان		دندان		لبها		
	قسمت نرم	قسمت سخت	لثه	دندان	لب و دندان	دو لب	
ء	ك، گ، ق					ب ، پ	انفجاری
		چ ، ج					مالشی
			ن			م	غنه‌ای
			ل				جناحی
			ر				ضربه‌ای
خ، غ		ژ ، ش	ز ، س		ف ، و		فشاری

از ملاحظه این جدول معلوم میشود که تلفظ دو حرف «ق» و «غ» هم از لحاظ محل و هم از لحاظ نحوه تلفظ در زبان فارسی بایکدیگر فرق دارد و حتی المقدور نباید آنها را از یک مخرج و بیک نحو ادا کرد. نکته دیگر اینکه در بعضی از خانه‌های این جدول دو حرف نشان داده شده است و شخص کنجکاو خواهد پرسید که تفاوت بین هر یک از دو حرف از لحاظ نحوه تلفظ چیست. باید گفت که مخرج تلفظ هر یک از این دو حرف کاملاً یکی است و نحوه ادای آنها نیز تفاوتی باهم ندارد. آنچه موجب تمایز آنها از یکدیگر می‌شود اینست که یکی در حین تلفظ با صوت یعنی با ارتعاش پرده‌های صوتی همراه است و دیگری با صوت همراه نیست. نظر باینکه اصطلاح بخصوصی (تا آنجا که اینجانب اطلاع دارد) تاکنون برای تمایز این دو دسته از حروف وضع نشده و بکار نرفته است تعبیر باصدا برای آن دسته که با صوت همراه است و بی صدا برای دسته دیگر انتخاب شد. اینک حرفهای باصدا و بی صدا را در زبان فارسی باین ترتیب نشان میدهیم.

حروف بی صدا

پ
ت
ك
چ
ف
س
ش
خ

حروف با صدا

ب
د
گ
ج
و
ز
ژ
غ

برای اینکه تفاوت بین این حرفها عملاً بر ما معلوم شود ادات بیان را برای ادای يك حرف بی صدا مثلاً «ف» آماده میکنیم و آن حرف را ادا می‌نماییم و در حین ادای این حرف صوت ایجاد میکنیم و متوجه میشویم که حرف

«ف» خود بخود تبدیل به حرف «و» میشود و بهمین ترتیب میتوانیم در مورد حروف دیگر عمل کنیم.

حرفهای دیگری یعنی «ل»، «م»، «ن»، «ه»، «ق»، «ر» همه از حروف باصدا هستند و در زبان فارسی حرف قرینه بی صدا ندارند.

جریان هوا برای ادای حرفهای بی صدا با شدت بیشتری توأم است تا در مورد حرفهای با صدا. برای تعیین میزان فشار هوا هنگام تلفظ حروف بی صدا و حروف باصدا باید ضمن تلفظ متوالی هر دو حرف دست را جلوی دهان بگیریم تا بر ما معلوم شود.

اغلب اشخاص تلفظ حروف انفجاری بی صدای آنها را با مصرف کردن هوای زیاد انجام میدهند. این کار مخصوصاً برای آواز خوانان بسیار بد و نامطلوب میباشد. معلم آواز باید دقت کنند که شاگردان هنگام تلفظ «پ»، «ك»، «ت» زیاد هوا مصرف نکنند زیرا نفس آنها با اصطلاح میسوزد و صدای آنها ضعیف میشود.

در بعضی کلمات که دو حرف انفجاری بی صدا دنبال یکدیگر واقع شوند اگر اولی ساکن باشد کاملاً واضح شنیده نمیشود مثل: نکته و سگته که در هر دو کلمه حرف انفجاری بی صدای «ت» در دنبال حرف انفجاری بی صدای ساکن «ك» واقع است بنا بر این «ك» کاملاً واضح شنیده نمیشود. همینطور در کلمات پتك و بتكده و غیره.

بعضی اشخاص شاید بعلمت تنبلی ادات تلفظ در کلماتی که دو حرف انفجاری ساکن در دنبال هم قرار دارد حرف باصدا را نیز به بی صدا تبدیل میکنند. مثلاً در کلمات: ربط، ثبت، خبط حرف انفجاری با صدای «ب» را به حرف انفجاری بی صدای «پ» تبدیل میکنند و میگویند: ثبت، ربط، خبط یا «د» را تبدیل به «ت» میکنند مثل: کودکش که کوتکش تلفظ میکنند هر وقت دو حرف انفجاری دنبال هم واقع شوند در هم ادغام میشوند باین معنی که برای حرف اول جریان هوا قطع نمیشود مثل: «چوب پا و شبیره» که در هر دو مورد لبها برای ادای «ب» بهم میچسبند و برای ادای «پ» باز میشود یعنی «ب» در «پ» ادغام میشود و فقط «پ» به تلفظ درمی آید.

برای ادای حرفهای انفجاری ادات بیان بسرعت ازهم جدا میشوند .
اگر به‌ملايمت جدا شوند از شدت انفجار کم خواهد شد و در نتیجه حرفهای
مالشی بوجود می‌آید که عبارت است از «چ» و «ج» . مخرج تلفظ این دو
حرف یکی است . تفاوت آنها در اینست که یکی با صدا و دیگری بی‌صدا
است .

برای تلفظ حرفهای غنه‌ای قسمت نرم سقف دهان بسمت ریشه زبان
کمی پایین می‌آید و در نتیجه راه عبور هوا به‌خلاء بینی باز میشود . هنگامی
که ما لبها را ببندیم و هوا را از بینی خارج کنیم حرف «م» ایجاد میشود .
اگر بجای لبها زبان را به‌ریشه دندانهای بالا بچسبانیم و راه عبور هوا را
در دهان مسدود کنیم حرف «ن» شنیده میشود .

هنگام تلفظ تمام حرفهای الفبا راه عبور هوا به‌خلاء بینی مسدود است
فقط در مورد این دو حرف است که این مجرا باز میشود .

مخرج دو حرف غنه‌ای «ن» و «م» با مخرج دو حرف انفجاری «ب»
و «ت» کاملاً یکی است . تنها تفاوت در راه عبور جریان هوا است . بعبارت
دیگر تفاوت آنها در وضع قسمت نرم سقف دهان است .

اگر سوراخهای بینی را با دست بگیریم و راه خروج هوا را ببندیم
کلمه «نکن» را نزدیک به «دکن» و کلمه «مرد» را «برد» تلفظ
میکنیم . در موقعی که کسالت سرما خوردگی عارض شخص شده باشد و بواسطه
متورم شدن جدار بینی راه عبور هوا بسته میشود حرف «م» شبیه به «ب»
و حرف «ن» شبیه «د» تلفظ میشود .

هر گاه جریان هوا با التصاق زبان به ریشه دندانهای بالا مسدود
شود و هوا از دو طرف زبان خارج شود حرف «ل» حاصل میشود . از اینجهت
این حرف را جناحی نامیدیم . این حرف از پر صداترین حرفهاست و از این
لحاظ با حرکات میتوان آنرا مقایسه کرد .

هر گاه ضربه‌های سریع و متوالی با نك زبان به ریشه دندانهای فوقانی
وارد آید و صدا با آن همراه باشد حرف «ر» بوجود می‌آید .

حروف فشاری نیز در نتیجه تنگ کردن یا باریک ساختن راه فرار هوا
از دهان ایجاد میشود مثل حرفهای «ز» و «س» و غیره که در جدول شرح
داده شده است . این حرفها چون با فشار هوا صورت می‌گیرد فشاری نام نهادیم .